



مؤسسه آموزشی انتشاراتی سیمیا

محمد رضا سبحانی.

حقوق بین الملل خصوصی ویژه رشته حقوق خصوصی کارشناسی ارشد

محمد رضا سبحانی - زهرا شاملی.

۱۰۴ ص. تهران: سیمیا، ۱۳۹۶.

۹۷۸-۶۰۰-۱۷۷-۴۶۷-۶

فیبای مختصر

۳۵۳۷۱۹۰

- ناشر: مؤسسه آموزشی انتشاراتی سیمیا
- عنوان کتاب: حقوق بین الملل خصوصی
- مؤلف: محمد رضا سبحانی - زهرا شاملی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶
- پایگاه اینترنتی سیمیا: www.simia.ir
- روابط عمومی: ۰۲۱-۸۲۱۵۵



کلیه حقوق این اثر برای انتشارات سیمیا محفوظ است. هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ و نشر تمام یا بخشی از این اثر را به هر صورت اعم از فتوکپی، چاپ کتاب و جزوه و حتی برداشت به صورت دستنویس ندارد و متخلفین به موجب بند ۵ از ماده قانون حمایت از ناشرین تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

فصل ۱

کلیات و مفاهیم

فهرست

- ۳ فصل اول: کلیات و مفاهیم
- ۲۱ فصل دوم: تابعیت
- ۵۷ فصل سوم: تعریف اقامتگاه
- ۷۵ فصل چهارم: وضعیت حقوقی بیگانگان

نشر سیمیا
simia.ir

تعاریف حقوق بین الملل خصوصی

نی بویاه، معتقد است که: «حقوق بین الملل خصوصی، شعبه‌ای است از حقوق موضوعه، که روابط افراد را در زندگی خصوصی به موجب پدیده مرز، تنظیم می‌نماید.» حقوق بین الملل خصوصی، رشته‌ای از حقوق است که روابط افراد با یکدیگر و همچنین روابط افراد با دولت‌ها، خارج از قلمرو داخلی و در عرصه بین‌المللی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

منابع حقوق بین الملل خصوصی

منابع حقوق بین الملل خصوصی، از منابع داخلی و منابع بین‌المللی تشکیل می‌شود.

منابع داخلی شامل: قانون اساسی، قوانین عادی، رویه قضایی، عرف و عقاید علمای حقوق (دکترین) می‌باشد. منابع بین‌المللی نیز، شامل معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی، رویه قضایی و عرف بین‌المللی است.

منابع داخلی حقوق بین الملل خصوصی

- قانون اساسی

• قوانین عادی: منابع داخلی مرتبط با موضوعات مختلف حقوق بین‌الملل خصوصی عبارتند از: قانون مدنی، قانون تجارت، آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹، قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۱۹ و اصلاحیه‌ها و الحاقات بعدی

• رویه قضایی

• عرف و عادات

• عقاید علمای علم حقوق یا دکترین

منابع بین‌المللی حقوق بین‌الملل خصوصی

منابع بین‌المللی حقوق بین‌الملل خصوصی، عبارتند از: عهدنامه‌های بین‌المللی، رویه قضایی بین‌المللی، عرف بین‌المللی و اصول کلی حقوقی.

عهدنامه‌های بین‌المللی

انواع معاهدات بین‌المللی

معاهدات دوجانبه: معاهدات دوجانبه، به معاهداتی

اطلاق می‌شود که بین دو کشور منعقد گردیده و فقط بین طرفین امضاکننده، لازم‌الاجرا باشد.

معاهدات چندجانبه یا جمعی: یکی از اهداف مهم انعقاد معاهدات جمعی در حقوق بین‌الملل خصوصی، یکسان‌سازی قواعد حقوق بین‌المللی و جلوگیری از ایجاد تعارض قوانین است.

ماهیت حقوقی معاهدات: معاهدات بین‌المللی، با توجه به موارد زیر در حکم قانون شمرده شده است که این موارد عبارتند از:

- اولاً: مطابق اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی ج.ا.ا. که مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.» مطابق ماده ۹ قانون مدنی ایران: «مقررات عهودی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد، در حکم قانون است.»

- ثانیاً: معاهدات پس از تصویب مجلس شورای

اسلامی باید به شورای نگهبان ارسال شده و به تأیید این مرجع نیز برسند.

- ثالثاً: برای آن که معاهدات در حکم قانون باشند، حتماً می‌بایستی در روزنامه رسمی منتشر گردیده و پانزده روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجرا خواهد بود.

خصوصیات معاهدات بین‌المللی

- معاهدات بین‌المللی ناشی از توافقات بین‌المللی است.
- معاهدات بین‌المللی می‌بایستی به صورت کتبی منعقد گردد.
- مفاد معاهدات بین‌المللی برای طرفین معاهده، ایجاد الزام می‌کند.
- معاهدات بین‌المللی، تابع مقررات حقوقی بین‌المللی است نه مقررات حقوق داخلی.
- مراجع صالح برای تفسیر معاهدات: مراجع صلاحیت‌دار، برای تفسیر معاهدات، عبارتند از: مراجع بین‌المللی و مراجع داخلی.

مراجع داخلی برای تفسیر یک جانبه معاهدات عبارتند از:

- مراجع اجرایی
- مراجع قانون گذاری
- مراجع قضایی

عرف بین المللی

در حقوق بین الملل، عرف و عادت از شیوه عمل و رفتار دولت‌ها در ایجاد و بسط مناسبات خود با یکدیگر و همچنین رویه آن‌ها در اختلافات با یکدیگر ناشی می‌شود، بدین گونه که در نتیجه تکرار این شیوه عمل و رفتار دولت‌ها در روابط بین المللی ایمان و اعتقاد نسبت به قواعدی پیدا می‌شود که به تدریج در روابط مشترک آن‌ها جنبه الزامی به خود گرفته و به عنوان معیار سنجش ارزش‌های حاکم پذیرفته می‌شود. این قواعد ریشه و اصل قواعد حقوق بین الملل عمومی است.

اصول کلی حقوق بین المللی

یک اصل، زمانی که در تمام سیستم‌های حقوقی پذیرفته

شد، اصل کلی است. اصولی که در حقوق بین‌الملل خصوصی مورد قبول جامعه بین‌المللی است، عبارتند از: اصل احترام به حاکمیت اراده طرفین و آزادی قراردادها، اصل آزادی اقلیت‌ها، اصل رعایت حقوق بیگانگان، اصل دادرسی عادلانه و حق رجوع بیگانگان به محاکم و غیره.

اصطلاح حقوق بین‌الملل خصوصی

اصطلاح حقوق بین‌الملل خصوصی، اولین بار، در سال ۱۸۳۴، توسط یک حقوق‌دان آمریکایی به نام استوری مورد استفاده قرار گرفت و پس از وی، فولیکس حقوق‌دان فرانسوی در سال ۱۸۴۳، کتابی تحت عنوان «کتاب حقوق بین‌الملل خصوصی» منتشر نمود و پس از آن زمان اصطلاح حقوق بین‌الملل خصوصی در فرانسه رایج گردید.

قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی

باتوجه به پیشرفت‌های روزافزون ارتباطات بین‌المللی، می‌توان چنین ادعا نمود، که قلمرو حقوق بین‌الملل

خصوصی، منحصر به موضوعات تعارض قوانین، تعارض صلاحیت دادگاه‌ها، وضع بیگانگان، تابعیت و اقامتگاه نبوده بلکه شامل کلیه موضوعات مربوط به روابط بین‌المللی که جنبه خصوصی دارند نیز می‌گردد.

جایگاه حقوق بین‌الملل خصوصی در علم حقوق

در تقسیم‌بندی‌هایی که در علم حقوق متداول است، علم حقوق را به: ۱. حقوق عمومی و حقوق خصوصی ۲. حقوق ملی یا داخلی و حقوق بین‌الملل یا خارجی تقسیم می‌نمایند:

- **حقوق عمومی:** به مجموعه قواعد و مقرراتی که بر روابط دولت و مأموران او با مردم حکومت می‌کند، گفته می‌شود و شامل موضوعاتی از قبیل: حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق مالیه، حقوق کار و غیره می‌باشد.

- **حقوق خصوصی:** مجموعه قواعد و مقرراتی است که حاکم بر روابط بین افراد بوده و شامل موضوعاتی از قبیل: حقوق مدنی، حقوق تجارت و غیره می‌گردد.

- **حقوق داخلی:** مجموعه قواعدی است که، بر دولت معین حکومت می‌کند و در آن از روابطی بحث و گفتگو می‌شود که هیچ عامل خارجی در آنها وجود ندارد.

- **حقوق بین‌الملل یا خارجی:** حقوق بین‌الملل، رشته‌ای از علم حقوق است که از روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و همچنین روابط اتباع دولت‌ها بحث و گفتگو می‌نماید.

رابطه حقوق بین‌الملل خصوصی با دیگر رشته‌های حقوق

۱. **رابطه حقوق بین‌الملل خصوصی با حقوق داخلی جهات اشتراک**

از حیث منابع: منابع حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق داخلی را قانون و رویه‌های قضایی تشکیل می‌دهد، که قانون توسط قوه مقننه همان کشور وضع می‌گردد.

از حیث حل و فصل دعاوی: مرجع صلاحیت‌دار برای حل و فصل دعاوی مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی،

همانند حقوق داخلی، مراجع قضایی داخلی کشور محل رسیدگی به اختلاف می باشد.

جهت افتراق

جهت افتراق این دو رشته عبارتند از:

- از حیث تفاوت در اهداف: حقوق داخلی فقط شامل اتباع آن کشور می گردد، در صورتی که هدف از وضع قوانین بین الملل خصوصی، علاوه بر ایجاد نظم عادلانه، مقتضیات روابط بین المللی نیز در نظر گرفته می شود و دارندگان حق، می توانند اتباع خارجی نیز باشند، مانند تحصیل تابعیت ایران توسط اتباع بیگانه.

- از حیث منابع: منابع مهم تشکیل دهنده حقوق داخلی، قانون، رویه های قضایی و عرف داخلی بوده، در صورتی که در حقوق بین الملل خصوصی، علاوه بر منابع فوق از منابعی مانند معاهدات و کنوانسیون های بین المللی و عرف بین المللی استفاده می گردد.

- تفاوت از حیث ماهیت: قواعد و مقررات حقوق داخلی، دارای ماهیت داخلی بوده و در قلمرو داخلی

آن کشور، لازم‌الاجرا می‌باشند.

• تفاوت از جهت طرح دعاوی در دادگاه‌ها: طرح دعاوی مربوط به حقوق داخلی، مانند اختلافات مالی بین دو یا چند نفر از اتباع ایرانی یا هر موضوع داخلی دیگر، در دادگاه‌های ایران صورت می‌گیرد، در حالی که دعاوی مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی، از قبیل تابعیت یا اقامتگاه ممکن است به‌طور همزمان و یا مستقل در محاکم چند کشور مطرح گردد.

• تفاوت از لحاظ اجرای احکام و ثبت اسناد لازم‌الاجرا: در حقوق داخلی، اجرای احکام و ثبت اسناد لازم‌الاجرا، در مقر دادگاه صادرکننده حکم و یا مقام تنظیم‌کننده سند لازم‌الاجرا بوده و براساس قانون همان دولت صورت می‌پذیرد، در حالی که در حقوق بین‌الملل خصوصی، اجرای احکام صادره و همچنین ثبت اسناد لازم‌الاجرا در قلمرو حاکمیت دولت خارجی نیاز به شناسایی آن‌ها، توسط آن دولت خارجی داشته و بر اساس قانون آن دولت می‌تواند مورد اجرا قرار گیرد.

۲. ارتباط حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی

جهت اشتراک

جهت اشتراک حقوق بین الملل خصوصی و حقوق بین الملل عمومی عبارتند از:

- از حیث بین المللی بودن هر دوی آنها
- از حیث منابع: یکی از منابع مهم حقوق بین الملل خصوصی، مانند حقوق بین الملل عمومی، معاهدات و کنوانسیون های بین المللی است.
- از حیث مرجع صلاحیت دار: اگر میان دولت ها از حیث حدود صلاحیت آنها در تنظیم قواعد حقوق بین الملل خصوصی اختلاف ایجاد شود، رسیدگی به آن اختلاف در صلاحیت مراجع قضایی بین المللی است و این رسیدگی بر مبنای اصول و قواعد حقوق بین الملل عمومی به عمل می آید.

۳. جهت افتراق حقوق بین الملل عمومی و حقوق بین الملل

خصوصی

جهت افتراق میان این دو رشته عبارتند از:

• از حیث وحدت و یا کثرت تابعین حقوق بین‌الملل: قواعد حقوق بین‌الملل عمومی، به لحاظ آن که شامل کلیه دولت‌ها می‌شود یکی بیش نیست. و قواعد آن برای تمامی کشورهای عضو، معتبر است، ولی حقوق بین‌الملل خصوصی، بر آن دسته از روابط خصوصی که یک عامل خارجی و در آن دخالت دارد، حاکم می‌باشد.

• از حیث دارندگان حق و تکلیف: در حقوق بین‌الملل عمومی دارندگان حق، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و مؤسسات وابسته به آن‌ها می‌باشند، در صورتی که در حقوق بین‌الملل خصوصی، دارندگان حق افراد و اشخاص حقوق خصوصی هستند.

• از لحاظ مرجع صالح برای رسیدگی به اختلافات: مراجع بین‌المللی از قبیل: دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری بین‌المللی می‌باشند. در صورتی که رسیدگی به اختلافات مربوط به حقوق بین‌الملل خصوصی، اصولاً در صلاحیت مراجع قضایی داخلی است.

- از لحاظ ضمانت اجرا: ضمانت اجرایی در حقوق بین‌الملل عمومی غیرمستقیم و ناکافی است، در صورتی که، اجرای قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی، از طریق مراجع قضایی و انتظامی، به صورت مستقیم و کامل تضمین می‌گردد.

ارتباط حقوق بین‌الملل خصوصی با حقوق تجارت بین‌الملل

۱. جهات اشتراک حقوق بین‌الملل خصوصی با حقوق تجارت

بین‌الملل

هر دو رشته درباره مسائلی بحث می‌کنند که به نوعی از شمول قواعد و مقررات حقوق داخلی خارج و دارای ماهیت خارجی می‌باشند. برخی از موضوعات حقوق تجارت بین‌الملل، مانند قراردادهای بین‌المللی منعقد شده بین اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی یا تعهدات بین‌المللی اشخاص و حمل و نقل بین‌المللی، در صورت بروز اختلاف با مباحث تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها که از موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی بوده ارتباط دارند.

۲. جهات افتراق حقوق بین الملل خصوصی با حقوق تجارت

بین الملل

از حیث موضوع: حقوق تجارت بین الملل، تنها به موضوعات بین المللی که دارای ماهیت تجاری بوده، از قبیل: پیمانکاری، بیع کالا، حمل و نقل کالا، نمایندگی بین المللی و ... می پردازد، در صورتی که حقوق بین الملل خصوصی هم موضوعات تجاری و هم غیر تجاری (از قبیل تابعیت، اقامتگاه، وضعیت بیگانگان) که دارای عنصر خارجی بوده را شامل می شود.

از حیث منابع: منبع اصلی حقوق بین الملل خصوصی، قانون داخلی و رویه های قضایی داخلی بوده در صورتی که، منبع اصلی حقوق تجارت بین الملل، معاهدات بین المللی، عرف بین المللی و رویه های قضایی بین المللی می باشد.

از حیث محاکم: مراجع صالح برای رسیدگی به مشکلات و اختلافات مرتبط به حقوق بین الملل خصوصی اساساً محاکم داخلی بوده، در صورتی که رسیدگی به

اختلافات مربوط به حقوق تجارت بین‌الملل بیش‌تر از شیوه دآوری‌های تجاری بین‌المللی استفاده می‌گردد.

فواید حقوق بین‌الملل خصوصی

فوایدی که حقوق بین‌الملل خصوصی دارد، عبارتند از:

الف. فواید عملی ب. فواید علمی

الف. فواید عملی

اشخاص

• اشخاص حقیقی یا طبیعی

• اشخاص حقوقی یا اعتباری

اموال

اموال مادی: اموالی هستند که وجود خارجی داشته و

قابل رویت می‌باشند و همچنین دارای ارزش مادی

نیز هستند.

اموال غیرمادی یا معنوی

• اموال غیرمنقول: ماده ۱۲ قانون مدنی در تعریف

مال غیرمنقول می‌گوید: «مال غیرمنقول آن است

که از محلی به محل دیگر نتوان منتقل نمود، اعم از این که استقرار آن ذاتی باشد یا به واسطه عمل انسان، به نحوی که نقل آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل آن شود.»

• **اموال منقول:** در ماده ۱۹ قانون مدنی در تعریف مال منقول آمده است: «اشیایی که نقل آن از محلی به محل دیگر ممکن باشد، بدون این که به خود یا محل آن خرابی وارد آید، منقول است.»

• **اموال غیر منقول** که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهود تملک کرده یا می کنند از هر جهت تابع قانون ایران خواهد بود.»

استثنائات قاعده: رژیم حقوقی کشتی ها و هواپیماها

از آن جایی که کشتی ها و هواپیماها دائماً در حال تغییر مکان از نقطه ای به نقطه دیگر بوده، لذا نمی توان آن ها را تابع قانون محل وقوع اموال دانست. بلکه آن ها تابع قانون محل ثبت هواپیما و کشتی ها یا تابع قانون کشور صاحب پرچم می باشند.

اموال غیرمادی

انواع مختلف اموال غیرمادی عبارتند از:

• مالکیت‌های معنوی

الف. مالکیت (حقوق) معنوی، حقوقی است که به صاحب آن اجازه می‌دهد تا به انحصار از منابع و شکل خاصی از فعالیت یا فکر انسان استفاده کند.

ب. قاعده کلی برای تعیین قانون حاکم بر مالکیت‌های معنوی (اعم از مالکیت ادبی و هنری و غیره) محل انتشار و یا ثبت اختراع خواهد بود، ولی ممکن است در بعضی از کشورها حدود حمایت از حقوق مالکیت‌های معنوی متفاوت باشد.

• دیون

• اسناد بانام و بی‌نام: اسناد بی‌نام، اسنادی است که به صورت سند در وجه حامل تنظیم گردیده و نام شخصی در آن قید نگردیده و دارنده آن مالک شناخته می‌شود. ولی اسناد بانام، اسنادی هستند که انتقال آنها باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد.

ب. فواید علمی حقوق بین‌الملل خصوصی:

- بدیع بودن موضوعات حقوق بین‌الملل خصوصی
- ایجاد خلاقیت و تقویت قوه استنباط
- آشنایی با قوانین دیگر کشورها و شناخت بهتر

حقوق داخلی



نشر سیمیا

simia.ir

فصل ۲

تابعیت

منشأ پیدایش تابعیت

تابعیت، یک اصطلاح حقوقی است که در یکی دو قرن گذشته، وارد سیستم حقوقی ایران گردیده است.

اولاً: تابعیت «به آن مقدار اصیل، غیراصیل و عرضی است که وجود دولت‌های متعدد و مستقل از یک‌دیگر اصیل و عرضی هستند.»

ثانیاً: قاعده تابعیت از حیث آن که تعیین‌کننده رابطه فرد با دولت می‌باشد، از قواعد حقوق عمومی به شمار می‌آید.

ولی برخی دیگر معتقدند که قاعده تابعیت به دلیل خاستگاه خود که تعدد دولت‌هاست از مباحث مربوط به حقوق بین‌الملل است و نه از مباحث حقوق داخلی.

ثالثاً: گرچه قاعده تابعیت، مسئله‌ای نسبتاً جدید است که در قرون اخیر مطرح شده است، اما اصل وجود قاعده تابعیت از زمانی آغاز شده که دولت‌های متعدد و مستقل وجود داشته‌اند.

باتیقول معتقد است که، دولت از قدیم‌الایام به صورت‌های گوناگون وجود داشته ولی ساخت آن به صورت فعلی

از قرن شانزدهم به بعد ایجاد گردید. از آن تاریخ، ملت‌گرایی شکل نوینی به خود گرفته و سرانجام در قرن نوزدهم بود که مفهوم تابعیت به شیوه‌ای که امروزه در حقوق مطرح است معنی و مفهوم پیدا کرده است.

تعریف تابعیت

در فرهنگ حقوق بین‌الملل آمده است: «تابعیت، رابطه حقوقی میان فرد و یک دولت است. تابعیت، تأمین‌کننده حمایت دولت از فرد بوده و حقوق و تکالیف خاصی را برای او به همراه دارد.»

باتیفول، باتوجه‌به این‌که تابعیت را از موضوعات حقوق خصوصی دانسته، بیش‌تر به جنبه شخصی (Subjective) آن نظر داشته و تابعیت را عبارت از «تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل‌دهنده دولت می‌داند.» دیوان عالی کشور ایران نیز با تأکید بر وصف حقوقی، تابعیت را چنین تعریف کرده است:

• «تابعیت، وصف و در عین حال رابطه حقوقی خاصی است که شخص را با دولت به مفهوم جامعه سیاسی

مرتبط می‌سازد و جزء عناصر و اوصاف ایجادکننده حالت یا به تعبیر دیگری موقعیت فرد در اجتماع قرار می‌گیرد.»

• «تابعیت، عبارت است از رابطه سیاسی، حقوقی، اجتماعی و معنوی که بین یک شخص حقیقی و یا حقوقی و یک دولت وجود داشته و یا ایجاد گردیده، که هم دولت و هم اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) را دارای حقوق و تکالیف در قبال یکدیگر می‌سازد.»

ویژگی‌های تابعیت

اولاً: تابعیت یک رابطه سیاسی است.
ثانیاً: رابطه تابعیت، بین‌المللی است.
ثالثاً: رابطه تابعیت داخلی است، چراکه در نظام داخلی نیز تبعه از حقوق سیاسی مثل حق رأی بهره‌مند می‌شود.
رابعاً: تابعیت رابطه‌ای حقوقی است. البته تابعیت، یک رابطه حقوقی و یا سیاسی صرف نیست بلکه رابطه‌ای مختلط و واجد جنبه‌های سیاسی و حقوقی است.
خامساً: تابعیت یک رابطه معنوی است.

تابعیت در بعضی موارد مانند تابعیت اکتسابی قراردادی است و در برخی دیگر مانند تابعیت اصلی ایقاع است.

تابعیت و شهروندی

واژه تابعیت، معادل واژه فرانسوی «ناسیونالیته» که آن را «ملیت» ترجمه کرده‌اند، می‌باشد. تابعیت و ملیت هر دو بیان‌کننده وضعیت افراد از حیث تعلق وی به یک ملت مشخص می‌باشد اما در تابعیت ارتباط حقوقی شخص با ملت مطرح می‌گردد و در ملیت ارتباط واقعی و روحی او با آن ملت. البته تابعیت را دولت به فرد می‌دهد نه ملت و دولت شخصیت حقوقی است که در حقوق بین‌الملل عمومی نماینده گروهی از اشخاص محسوب می‌شود.

شرایط تحقق تابعیت

برای تحقق تابعیت، شرایطی لازم است که این شرایط عبارتند از:

- دولتی وجود داشته باشد.

- افرادی به‌عنوان تبعه وجود داشته باشد.
 - دارای سرزمین مشخص باشند.
 - دارای قدرت سیاسی و حاکمیت مستقل باشد.
- ویژگی‌های عمومی قدرت عالی (سیاسی) عبارتند از:**

- برترین قدرت در جامعه
- تبعیت سایر اراده‌ها و قدرت‌ها از آن
- داشتن ابزارها و امکانات اعمال اقتدار دولت
- اعمال از طریق سازمان‌ها و نهادهای حکومتی
- داشتن ضمانت اجراهای لازم جهت اجرای قوانین و تصمیمات حکومتی
- دایمی و مستقل بودن

آثار حقوقی تابعیت

حمایت سیاسی

- اجرای حمایت سیاسی از طرف یک دولت، منوط به رعایت و تحقق سه شرط اساسی است:
- وجود یک علقه رسمی بین دولت حامی و مدعی

خسارت دیده (تابعیت)

- طی مقدماتی محاکم محلی از طرف مدعی
- پاکدستی مدعی

حمایت سیاسی به‌طور سنتی به‌عنوان یک حق انحصاری دولت شناخته شده است، بدین معنی که دولت حمایت سیاسی را به‌عنوان حق خود اعمال می‌کند، زیرا صدمه‌ای که به تبعه آن وارد شده در حکم صدمه وارد شده به خود آن دولت محسوب می‌گردد.

ریشه‌های این دیدگاه، ابتدا توسط حقوق‌دان سویسی واتل مطرح گردید که می‌گوید: «هرکس با تبعه‌ای بدرفتاری کند به‌طور غیرمستقیم به دولتی صدمه می‌زند که باید از او حمایت کند.» برای اعمال حمایت سیاسی وجود ۵ اصل مهم شرط است که عبارتند از:

- اقدامات دولت در جهت دفاع از حقوق خویش باشد.
- رابطه تابعیت بین دولت و شخص متضرر موجود باشد.
- قاعده‌ای از حقوق بین‌المللی نقض شده باشد.
- تمامی راه‌های داخلی جهت احقاق حق طی شده باشد.

• تئوری پاکدستی مدعی

در مورد اشخاص حقوقی امکان اعمال حمایت سیاسی احراز رابطه تابعیت شخص حقوقی با دولت متبوع می‌باشد. یک شرکت تابعیت کشوری را دارد که مطابق مقررات آن به ثبت رسیده است و تابعیت شرکت ربطی به تابعیت سهام‌داران آن ندارد.

در قضیه «بارسلونا تراکشن» رأی دیوان بین‌المللی دادگستری بر این امر مبتنی بوده که کشور متبوع سهام‌داران حق حمایت سیاسی از آنها را ندارند و تابعیت شخص حقوقی است که موجب حمایت از جانب دولت متبوع اوست. مواردی وجود دارد که، امکان اجرای حمایت سیاسی از بین می‌رود و آن در صورتی است که، رابطه تابعیت بین دولت و تبعه از بین رفته یا خدشه‌دار شود به عبارت دیگر بی‌تابعیتی و تابعیت مضاعف (در برخی موارد) دو حالتی هستند که موجب محرومیت شخص از حمایت سیاسی می‌گردند.

چنانچه فردی تابعیت هیچ دولتی را نداشته باشد،

حمایت سیاسی برای او اجرا نخواهد شد. هم‌چنین تابعیت مضاعف نیز موجب فقدان حق حمایت سیاسی می‌گردد، زیرا به موجب ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه یک دولت نمی‌تواند حمایت سیاسی خود را به نفع یکی از اتباعش در مقابل دولت دیگری که او نیز مدعی را تبعه خود می‌داند، اعمال کند؛ بنابراین چند تابعیتی منجر به بروز مشکلاتی در اجرای حمایت سیاسی می‌گردد.

اصول و مبانی حاکم بر تابعیت

سه اصل کلی بین‌المللی، حاکم بر تابعیت وجود دارد، که این اصول مورد قبول تمامی کشورها بوده و اغلب کشورها، قوانین تابعیت خود را مبتنی بر این اصول تدوین نموده‌اند:

- **اصل اول:** هر فردی باید دارای تابعیت باشد. (نفی بی‌تابعیتی)
- **اصل دوم:** هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد. (نفی تابعیت مضاعف)

• اصل سوم: افراد حق تغییر تابعیت را داشته باشند.
پدید آمدن حالت بی‌تابعیتی، به گفته پل لاگارد، نتیجه
«خصلت منحصرأ ملی قانون‌گذاری درباره تابعیت»
می‌باشد.

انواع تابعیت

تابعیت اصلی

تابعیت اصلی یا تابعیت مبدأ تابعیتی است که از ابتدای تولد شخص به حکم قانون به وی تحمیل می‌شود. این نوع تابعیت، از دو طریق امکان‌پذیر است: یکی از طریق اعمال سیستم خون و دیگری از طریق خاک، که از آن‌ها به سیستم خون و سیستم خاک یاد می‌کنند. سیستم خون یا تابعیت نسبی، سیستمی است که در آن، تابعیت از طریق نسب به طفل تحمیل می‌شود، یعنی طفل به محض تولد، تابعیت پدر و یا مادرش را تحصیل خواهد نمود. سیستم خاک یا تابعیت ارضی سیستمی است که به موجب آن، تابعیت شخص از روی محل تولد وی تعیین می‌گردد.

انواع تابعیت‌های اصلی ایران

تابعیت اصلی در نظام حقوقی ایران را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم نمود:

- تابعیت کسانی که پدر آنها ایرانی است.
- تابعیت ناشی از تولد در ایران.

در بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران، آمده است: «کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند» تبعه ایران محسوب می‌شوند. این تابعیت، در بدو تولد طفلی که پدر او ایرانی است به وی داده می‌شود و در واقع همان اعمال سیستم خون است.

قانون ایران، برای جلوگیری از به‌وجود آمدن تابعیت مضاعف بر اثر متولد شدن طفل از پدر ایرانی و مادر خارجی طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود.»

در صورتی که نسب طفل مورد شبهه قرار گیرد، تابعیت

او نیز علی‌القاعده مورد شبهه واقع می‌گردد و اجباراً برای اثبات نسب بایستی به قانون مملکت مقرر دادگاه مراجعه نماید.

زمانی که تابعیت شخص از لحاظ نسب مشتبه باشد در این صورت برای اثبات نسب آن شخص، باید از قانون کشوری که موضوع در آن مطرح شده تبعیت نمود. بندهای ۳، ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران به سیستم خاک اشاره کرده است.

چند گروه از افراد را تبعه ایران شناخته است که عبارتند از:

۱. تابعیت اطفالی که پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد.

بند ۳ ماده ۹۷۶ ق.م در این رابطه مقرر می‌دارد: «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند.» تبعه ایران محسوب می‌شوند.

طفلی که از پدر و مادر نامعلوم متولد شده باشد، و چنانچه پس از گذشت مدت زمانی مشخص شود که والدین این طفل خارجی هستند، این طفل به دلیل این که در ایران متولد شده است، تبعه ایران محسوب

می‌گردد و اصل خاک برای این طفل اعمال می‌گردد.

۲. تابعیت اطفالی که یکی از والدین آن‌ها در ایران متولد شده باشد

بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند، تبعه ایران محسوب می‌شوند.» برای به‌وجود آمدن این نوع تابعیت دو شرط لازم است:

- تولد شخص در ایران
- تولد یکی از والدین طفل (پدر و مادر) که بیگانه‌اند در ایران

۳. تابعیت اطفالی که از پدر خارجی در ایران متولد شده باشند به شرط اقامت در ایران

بند ۵ ماده ۹۷۶ ق.م مقرر نموده: «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند، ایرانی محسوب می‌شوند و

الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است.»

تابعیت اکتسابی

تابعیت اکتسابی، که به آن تابعیت تبعی و اشتقاقی نیز گفته می‌شود، عبارت از تابعیتی است که شخص در حیات خود و با فاصله‌ای بعد از تولد به دست می‌آورد که ممکن است در اثر ازدواج، اقامت و ... باشد.

تابعیت اشتقاقی تابعیتی است که بعد از تاریخ تولد تا وقتی که شخص زنده است، در اثر اعمال حقوقی شخص یا نماینده قانونی او ممکن است تحمیل شود، مانند تحصیل تابعیت در اثر سکونت به مدت معینی در کشورهای خارجی و یا کسب تابعیت در اثر ازدواج.

تابعیت تبعی، تابعیتی است که بر اثر ازدواج به زوجه و به فرزند صغیر شخص تحمیل می‌شود. در مورد اول تابعیت زوج و در مورد دوم تابعیت پدر تحمیل می‌شود.

راه‌های تحصیل تابعیت ایران

۱. تحصیل تابعیت ایران بر اساس عمل متقابل

ماده ۹۷۸ ق.م مقرر می‌دارد: «نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات، تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تبعیت ایران منوط به اجازه می‌کنند، معامله متقابل خواهد شد.»

۲. تحصیل تابعیت به وسیله ازدواج

بند ۶ ماده ۹۷۶ ق.م ایران مقرر می‌دارد: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایرانی محسوب می‌شود.»

در قانون ایران، زن خارجی که به واسطه ازدواج با یک مرد ایرانی، تابعیت ایران را کسب می‌نماید تا زمانی که رابطه زوجیت بین آنها برقرار است، ایرانی محسوب می‌گردد و در صورت طلاق یا فوت شوهر، باز هم زن ایرانی است، اما حق دارد با اطلاع کتبی به وزارت امور

خارجہ و ارائه گواهی طلاق یا فوت شوهر به تابعیت
قبلی خود رجوع نماید.

۳. تحصیل تابعیت ایران از طریق درخواست و پذیرش
دولت

برای اعطای تابعیت ایرانی به اشخاص بیگانه سه
موضوع می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد:

- تشریفات تحصیل تابعیت ایران
 - شرایط تحصیل تابعیت ایران
 - نتایج و آثار پذیرش به تابعیت ایران
- ماده ۹۸۳ ق.م. مقرر می‌دارد: «درخواست تابعیت باید
مستقیماً و یا توسط حکام یا ولات به وزارت امور خارجه
تسلیم شده و دارای منضمات ذیل باشد:
- سواد مصدق اسناد هویت تقاضاکننده و عیال و اولاد او.
 - تصدیق‌نامه نظمیه دائر به تعیین مدت اقامت
تقاضاکننده در ایران و نداشتن سوء سابقه و داشتن
مکنت کافی یا شغل معین برای تأمین معاش.
- با عنایت به ماده فوق، مقام صلاحیت‌دار برای اعطای

تابعیت ایران به بیگانه متقاضی، هیأت دولت بوده و هیأت دولت پس از بررسی مدارک و اطلاعات تکمیل شده توسط وزارت خارجه، مخیر است که آن شخص را به تابعیت ایران پذیرفته یا آن که تقاضای وی را رد نماید. این تصمیم، از طرف متقاضی قابل شکایت نمی‌باشد. ماده ۹۷۹ ق.م. مقرر می‌دارد: «اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند.

- به سن ۱۸ سال تمام رسیده باشند.
- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.
- فراری از خدمت نظامی نباشند.
- در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایات غیرسیاسی محکوم نشده باشند.

در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.» یکی دیگر از شرایط تحصیل تابعیت ایران، داشتن مکنت مالی یا امکان تأمین معاش است. شخصی که می‌خواهد

تابعیت ایران را کسب نماید می‌بایستی قدرت تأمین معاش خود و خانواده‌اش را داشته باشد. شرایط دیگری در قانون و نظام‌نامه تابعیت مشخص گردیده که عبارتند از: آشنایی به زبان فارسی، تاریخ و قانون اساسی، و سرانجام ادای سوگند وفاداری نسبت به آن قانون به گواهی وزارت کشور (ماده ۲ نظام‌نامه قانون تابعیت).

نتایج و آثار پذیرش به تابعیت ایران

۱. مبدأ پذیرش به تابعیت ایران

می‌توان از قوانین استنباط نمود که مبدأ پذیرش تاریخ تحصیل تابعیت ایران است. در ماده ۹۸۲ ق.م. قید شده است که: «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند...» پس با توجه به این ماده می‌توان گفت که مبدأ اثر تابعیت از تاریخ تحصیل تابعیت ایران شروع می‌شود.

۲. حقوق اشخاص پذیرفته شده به تابعیت ایران

ماده ۹۸۲ ق.م. اصلاحی آبان ماه ۱۳۷۰ مقرر می‌دارد: «اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی نموده یا بنمایند، از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است بهره‌مند می‌شوند لیکن نمی‌توانند به مقامات ذیل نائل گردند:

- ریاست جمهوری و معاونین او
- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضاییه
- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
- عضویت در مجلس شورای اسلامی
- عضویت در شوراهای استان و شهرستان و شهر
- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست یا مأموریت سیاسی
- قضاوت
- عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
- تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی

از دست دادن تابعیت یا بدون تابعیتی

راه‌های ایجاد بی‌تابعیتی

می‌توان عوامل بی‌تابعیتی یا آپاتراید را به قرار ذیل برشمرد:

۱. سلب تابعیت در اثر مجازات

بعضی از کشورها، اخراج از تابعیت را به‌عنوان مجازات اصلی و یا مجازات تبعی در قوانین خود قرار داده‌اند و در اثر اجرای مجازاتی که درباره شخص اعمال می‌شود، تابعیت خود را از دست داده، در حالی که تابعیت کشور دیگری را هنوز به دست نیاورده است.

۲. سلب تابعیت در اثر پناهندگی و مهاجرت

ممکن است شخص در اثر پناهندگی و مهاجرت، تابعیت مبدأ خود را از دست داده و هنوز به تابعیت دولت جدیدی نیز در نیامده باشد و در نتیجه بدون تابعیت بماند.

۳. از دست دادن تابعیت به اختیار شخص

ممکن است شخصی پس از ترک تابعیت یک کشور، اقدام به تحصیل تابعیت کشور جدیدی ننماید و بدین

ترتیب بی‌تابعیت شود و یا این‌که قانون، شخصی را مخیر کند که بین دو تابعیت یکی را انتخاب کند و او هیچ‌کدام را انتخاب نکند.

۴. در اثر قانون خاص

ممکن است کشوری شرایط خاصی را پیش‌بینی کند که اگر آن شرایط برای تبعه‌ای پیش آمد تابعیت خود را از دست دهد و یا ممکن است بی‌تابعیتی در اثر اختلاف قوانین کشورهای مختلف از هنگام تولد برای طفل ایجاد شود.

آثار بی‌تابعیتی

- محرومیت از حقوق اجتماعی
- محرومیت از حقوق سیاسی
- عدم حمایت سیاسی کشورها از شخص بدون تابعیت

موارد ترک تابعیت ایران

۱. ترک تابعیت ارادی یا ترک تابعیت در اثر تقاضای شخص در تبصره «الف» ماده ۹۸۸ قانون مدنی به اراده شخص

برای ترک تابعیت ایران صریحاً اشاره گردیده ولی تا زمانی که دولت با تقاضای وی موافقت ننماید هیچ گونه آثاری برای ترک تابعیت شخص مترتب نخواهد بود؛ بنابراین ترک تابعیت ارادی مبتنی بر موافقت دولت است و تقاضای شخص به تنهایی کافی نیست.

۲. ترک تابعیت زن ایرانی بدون شوهر

قانون‌گذار، در مورد ترک تابعیت زن ایرانی بدون شوهر در تبصره «ب» ماده ۹۸۸ ق.م. چنین مقرر کرده است: «هیأت وزیران می‌تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی‌شوهر، ترک تابعیت فرزندان او را نیز که فاقد پدر و جد پدری هستند و کم‌تر از ۱۸ سال تمام دارند یا به جهات دیگری محجورند اجازه دهد فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند، می‌توانند به تابعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک تابعیت نمایند.»

۳. ترک تابعیت زن ایرانی به واسطه ازدواج با تبعه خارجه به موجب ماده ۹۸۷ ق.م. «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر این که مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود...»

۴. ترک تابعیت اطفالی که به تبعیت پدر تابعیت ایران را تحصیل کرده اند

بند الف ماده ۹۷۷ ق.م. مقرر می دارد: «هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول کنند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر بر این که آنها را تبعه خود خواهند شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند.»

شرایط ترک تابعیت

- رسیدن به سن ۲۵ سال تمام
- اجازه هیأت وزرا برای خروج از تابعیت ایران: بند ۲

ماده ۹۸۸ ق.م. ترک تابعیت ایرانی را منوط به موافقت و اجازه هیأت وزراء نموده است و بدون اجازه هیأت وزراء، ترک تابعیت ایران اثر حقوقی ندارد.

• انتقال مالکیت بر اموال غیرمنقول ظرف یک سال:
بند ۳ ماده ۹۸۸ ق.م. مقرر داشته: «قبلاً تعهد نمایند که در ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت حقوق خود را بر اموال غیرمنقول که در ایران دارا می باشند و یا ممکن است بالوراثه دارا شوند ولو قوانین ایران اجازه تملک آن را به اتباع خارجه بدهد، به نحوی از انحاء به اتباع ایرانی منتقل کنند...»

• انجام خدمت نظام وظیفه
• خروج شخص متقاضی ترک تابعیت از ایران ظرف مدت سه ماه

آثار ترک تابعیت

آثار ترک تابعیت نسبت به شخص متقاضی: اشخاصی که قبلاً تابعیت ایران را داشته و سپس طبق قانون، از تابعیت ایران خارج گردیده اند، از زمان صدور موافقت

هیأت وزیران، دیگر ایرانی محسوب نگردیده و از کلیه حقوق متعلق به ایرانیان محروم خواهند شد.

آثار ترک تابعیت نسبت به زوجه و اولاد متقاضی: چنانچه شخصی از تابعیت ایران خارج شود، ترک تابعیت وی هیچ‌گونه اثری بر تابعیت زوجه و فرزندان وی اعم از کبیر و صغیر نخواهد گذاشت.

رجوع به تابعیت اصلی خارجی

بازگشت به تابعیت ایران

۱. بازگشت به تابعیت ایران به علت ترک ارادی تابعیت شرایطی برای بازگشت به تابعیت ایران پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

- اولاً: تبدیل تابعیت این اشخاص موافق مقررات صورت گرفته باشد. (به صورت قانونی باشد).
- ثانیاً: شخص، تقاضای بازگشت به تابعیت ایران را بنماید.
- ثالثاً: تقاضای شخص مورد مخالفت دولت قرار نگیرد.

۲. بازگشت به تابعیت ایران زن ایرانی که بر اثر ازدواج با مرد خارجی ترک تابعیت نموده

قانون گذار برای بازگشت زن ایرانی به تابعیت ایران، چهار شرط پیش‌بینی نموده است که عبارتند از:

- تابعیت ایرانی پیشین زن تابعیت اصلی بوده باشد.
- علت ترک تابعیت زن ایرانی تحمیل تابعیت دولت زوج بوده باشد.
- عامل ازدواج با مرد بیگانه به علت فوت و یا طلاق از وی منقضی شده باشد.
- از طرف زن از دولت ایران تقاضای بازگشت به تابعیت ایران شده باشد.

نشر سیمیا
simia.ir

دلایل تابعیت ایران

مهم‌ترین دلایل اثبات تابعیت ایرانی بودن شخص، اسنادی است که از طرف مراجع صلاحیت‌دار وابسته به دولت، با رعایت تشریفات تنظیم و صادر گردیده‌اند. این اسناد عبارتند از:

- اسناد صادره از طرف هیأت دولت و وزارت امور خارجه

- اسناد صادره از طرف ثبت احوال

افرادی که تابعیت آنان مشکوک است به اشخاص اطلاق می‌شود که دارای اسناد سجلی و شناسنامه بوده لیکن هویت و تابعیت ایرانی آنان بنا به دلایلی مورد تردید واقع گردد. خواه اسامی آنان در لیست سیر مراحل افراد مشکوک ثبت گردیده و یا ثبت نشده باشد.

مراجع صالح برای رسیدگی به دعاوی راجع به تابعیت

مراجع مختلفی پیش‌بینی شده است که عبارتند از:

- مرجع صالح برای رسیدگی به امور مشکوک‌التابعین، یعنی کسانی که هویت و تابعیت آن‌ها مورد تردید قرار گیرد و مدارک لازم جهت اثبات آن ارائه نگردد، مراتب برای اثبات «هویت» به مراجع انتظامی و برای اثبات «تابعیت» به شورای تأمین شهرستان ارجاع تا در مورد قضیه اعلام نظر نمایند.

-

- مرجع صالح برای ابطال شناسنامه کسانی که ترک تابعیت و یا اخراج از تابعیت اشخاص از طرف وزارت امور خارجه، سازمان ثبت احوال می باشد.
- مرجع صالح در مورد ابطال شناسنامه های ایرانی کسانی که بیگانه بوده ولی از شناسنامه ایرانی استفاده می نمایند، هیأت های حل اختلاف می باشد.
- رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیأت حل اختلاف و همچنین رسیدگی به سایر دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال با دادگاه شهرستان یا دادگاه بخش مستقل (طبق قانون جدید، دادگاه های عمومی و حقوقی جانشین این دو مرجع شده) محل اقامت خواهان به عمل می آید و رأی دادگاه نیز قابل تجدیدنظر می باشد. مهلت شکایت از تصمیم هیأت حل اختلاف ده روز از تاریخ ابلاغ است.
- هرگاه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده و ذینفع مقیم خارج از کشور باشد، رسیدگی به دادگاه محل صدور سند می باشد و اگر محل تنظیم سند و

اقامت خواهان هر دو در خارج از کشور باشد با دادگاه شهرستان تهران خواهد بود.

تابعیت مضاعف

علل ایجاد تابعیت مضاعف

در ذیل، علل ایجاد تابعیت مضاعف، مختصراً توضیح داده خواهد شد.

- اختلاف در روش‌های اعطای تابعیت توسط دولت‌ها
- به علت ازدواج
- تحصیل تابعیت جدید با حفظ تابعیت قدیم

طرق جلوگیری از تابعیت مضاعف

۱. دکترین (تئوری) عدم مسئولیت دولت‌ها

این نظریه، مبتنی بر اخلاق و نزاکت بین‌المللی و اصل احترام متقابل دولت‌هاست که مورد تایید رویه قضایی بین‌المللی قرار گرفته است.

۲. نظریه اعمال اولین تابعیت

بنا بر این نظریه، هنگامی که ضروری باشد تا بین دو یا چند تابعیت یک شخص یکی را انتخاب نمود می‌باید اولین تابعیت شخص را به عنوان تابعیت وی انتخاب نمود.

۳. نظریه ترجیح تابعیت

منظور از ترجیح تابعیت، این است که شخصی که می‌خواهد تابعیت جدیدی را اکتساب نماید، می‌بایستی یکی از تابعیت‌ها را بر دیگری ترجیح بدهد.

۴. تابعیت مؤثر یا فعال

«تابعیت مؤثر یا فعال مفهومی است که به موجب آن باید یک پیوند واقعی بین شخص یا موجود و کشوری که شخص تابعیت آن را ادعا می‌کند، وجود داشته باشد. یک پیوند واقعی (که تعلق مؤثر یا تابعیت مؤثر نیز نامیده می‌شود)، پیوندی است که در آن تابعیت، حقیقی و مؤثر است نه مصلحتی.»

حل و فصل دعاوی مربوط به تابعیت مضاعف

دعاوی مربوط به تابعیت مضاعف همانند هر اختلاف بین‌المللی دیگری، تابع روش‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی می‌باشد و به دلیل خصیصه حقوقی بودن آن، از روش‌های حقوقی فیصله مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی پیروی می‌نماید.

روش‌های حقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی، شامل داوری بین‌المللی و دادگستری بین‌المللی است که می‌توان در جهت حل و فصل دعاوی مربوط به تابعیت مضاعف از آن‌ها بهره جست. هم‌چنین دولت‌ها می‌توانند با انعقاد معاهدات دوجانبه یا چندجانبه به دعاوی اثباع مضاعف فیصله دهند.

اگر طرفین دعوی، روش خاصی را در خصوص حل معضل تابعیت مضاعف مورد توافق و تراضی قرار داده باشند، در این صورت مرجع رسیدگی مطابق مفاد توافق و تراضی حاصله عمل خواهد نمود و تئوری تابعیت مؤثر یا فعال یا هر تئوری دیگری کارساز نیست.

پیشینه تاریخی تابعیت مضاعف

تئوری‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده که در بین آن‌ها دو تئوری (عدم مسئولیت) و «تابعیت مؤثر» از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی از صاحب‌نظران (از جمله «ورژیل») را عقیده بر این است که به علت تساوی حاکمیت دولت‌ها، هیچ دولتی حق ندارد فردی را در مقابل دولت متبوع او مورد حمایت سیاسی قرار دهد. برعکس برخی دیگر (از جمله بادووان، موری، پل دو فیسخر) بر این عقیده‌اند که قاعده حقوق بین‌الملل در این خصوص (دکترین «مؤثر یا غالب») است که طبق آن بایستی تابعیت دولتی را که فرد ذینفع پیوندهای نزدیک‌تری با آن دارد، ترجیح داده شود.

تابعیت اشخاص حقوقی

انواع اشخاص حقوقی

- اشخاص حقوقی به دو دسته تقسیم می‌شوند:
- اشخاص حقوقی حقوق عمومی: اصولاً به وجود آورندگان

اشخاص حقوقی حقوق عمومی، نهادها یا مقامات عالی دولت می‌باشند و به منظور انجام خدمات عمومی و فعالیت‌های غیرانتفاعی و عام‌المنفعه، تشکیل می‌شوند و هدف اصلی آن‌ها کسب درآمد و سودجویی نیست.

• اشخاص حقوقی حقوق خصوصی: مؤسسين اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، اشخاص حقیقی هستند که به منظور رسیدن به اهداف مشترک که ممکن است این اهداف انتفاعی بوده یعنی به دنبال کسب منافع مادی باشند و یا اهدافی عام‌المنفعه و غیرانتفاعی داشته باشند. اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

• شرکت‌ها و مؤسسات تجاری (انتفاعی)

• مؤسسات غیر تجاری (غیرانتفاعی)

ماده ۲۰ قانون تجارت شرکت‌های تجاری را به انواع زیر

تقسیم کرده است:

• شرکت سهامی (عام و خاص)

• شرکت تضامنی

- شرکت نسبی

- شرکت مختلط غیرسهامی

- شرکت مختلط سهامی

- شرکت با مسئولیت محدود

- شرکت تعاونی تولید و مصرف

مؤسسات غیرتجاری بیش تر به منظور اهداف معنوی، خیرخواهانه و انسان دوستانه تأسیس می گردند.

مؤسسات غیرتجاری خود به دو دسته تقسیم می گردند:

- انجمن ها

- اتحادیه های صنفی

نحوه تعیین تابعیت اشخاص حقوقی

در مورد نحوه تعیین تابعیت اشخاص حقوقی، روش های مختلفی اتخاذ گردیده که عبارتند از:

- تعیین تابعیت اشخاص حقوقی (شرکت ها) براساس

- تابعیت سهام داران شرکت

- تعیین تابعیت شرکت بر اساس اراده مؤسسین شرکت

- تعیین تابعیت بر اساس محل تعهد پرداخت قیمت سهام
- تعیین تابعیت بر اساس محل تشکیل شرکت
- تعیین تابعیت بر اساس مرکز فعالیت
- تعیین تابعیت بر اساس مرکز اصلی شرکت: بر اساس این نظریه، شرکت تابعیت کشوری را داراست که اقامتگاه اداری یا مرکز اصلی آن شرکت در آنجا واقع شده است.

تعیین تابعیت اشخاص حقوقی در ایران

قانون گذار ایران، برای تعیین تابعیت شرکت‌های تجاری، روش مرکز اصلی یا اقامتگاه اداری را پذیرفته است. ماده ۵۹۱ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در مملکت است.» و در ماده ۵۹۰ قانون تجارت اقامتگاه شخص حقوقی را، محلی می‌داند که اداره شخص حقوقی در آنجاست که این ماده با ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی که می‌گوید:

«قامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها است.»
در تعارض می باشد.

بنابراین شرکت خارجی در صورتی می تواند در ایران
فعالیت نماید که اولاً: آن شرکت در مملکت اصلی خود
قانونی شناخته شده باشد و ثانیاً: در اداره ثبت اسناد
تهران نیز به ثبت رسیده باشد.



نشر سیمیا
simia.ir

فصل ۳

تعريف اقامتگاه

در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی در مورد تعریف اقامتگاه چنین مقرر شده است که «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است...» در این ماده، عوامل تعیین کننده اقامتگاه، محل سکونت و مرکز مهم امور شخص بوده و در صورت تعارض بین محل سکونت و مرکز مهم امور، عامل تعیین کننده اقامتگاه، مرکز مهم امور شخص خواهد بود.

وجوه افتراق اقامتگاه و محل سکونت

اولاً: ممکن است محل سکونت شخص متعدد بوده، در صورتی که اقامتگاه می بایستی واحد باشد. ثانیاً: ممکن است تبعه یک کشوری در کشوری دیگر، موقتاً ساکن بوده ولی اقامتگاه اصلی اش همان کشور اصلی وی باشد. به عنوان مثال یک تبعه ایرانی برای تحصیل به کشوری دیگر سفر نموده و موقتاً در آنجا ساکن شده ولی اقامتگاه اصلی وی ایران خواهد بود. ثالثاً: اقامتگاه

مبتنی بر اصل ثبات و اصل لزوم می‌باشد؛ در صورتی که این اصول درباره محل سکونت حاکم نیست.

ملاک تفکیک تابعیت و اقامتگاه

ملاک تفکیک تابعیت و اقامتگاه عبارتند از:

- در تابعیت، رابطه سیاسی و معنوی شخص با دولت وجود دارد در صورتی که در اقامتگاه به رابطه مادی و حقوقی تاکید شده است.
- در تابعیت، رابطه شخص با دولت معینی وجود دارد در صورتی که در اقامتگاه، بستگی و علاقه شخص به نقطه معینی از قلمرو دولت را مشخص می‌کند.

فواید و آثار حقوقی اقامتگاه

از حیث تعیین قانون صلاحیت‌دار

یکی از فواید بسیار مهم تعیین اقامتگاه، تعیین قانون صلاحیت‌دار بوده که ممکن است در موارد زیر نقش خود را به خوبی آشکار سازد:

• **قانون صلاحیت‌دار در مورد احوال شخصیه افراد:** برای تعیین قانون حاکم بر احوال شخصیه در حقوق موضوعه کشورهای مختلف معمولاً دو عامل مورد توجه قرار می‌گیرد، یکی «اقامتگاه» و دیگری «تابعیت». ماده ۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولواین که مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود.»

• **قانون صلاحیت‌دار در مورد روابط شخصی و مالی افراد:** بر اساس ماده ۹۳۶ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد: «اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند روابط شخصی و مالی بین آنها تابع قوانین دولت متبوع شوهر خواهد بود.»

۱. از حیث تعیین صلاحیت دادگاه‌ها

در حقوق بین‌الملل خصوصی، اگر خواننده در ایران اقامتگاهی نداشته باشد، خواهان می‌تواند دعوی خود را در دادگاه محل سکونت خواننده مطرح نموده و چنان‌چه

محل سکونت نیز نداشته باشد، خواهان می‌تواند در دادگاه اقامتگاه خود اقامه نماید.

۲. از حیث انجام تکالیف قانونی افراد

اقامتگاه مالیاتی: تعیین مالیات و پرداخت آن براساس اقامتگاه مؤدی می‌باشد.

اقامتگاه انتخاباتی: در برخی از کشورها، شخص اقامتگاه انتخاباتی داشته و فقط در آن محل می‌تواند رأی بدهد.

اصول حاکم بر اقامتگاه

همان طوری که در مبحث تابعیت ذکر شد، اصول حاکم بر تابعیت و اقامتگاه مشترک بوده و این اصول سه‌گانه حاکم بر اقامتگاه عبارتند از:

- اصل لزوم اقامتگاه (داشتن اقامتگاه)
- اصل وحدت اقامتگاه (نداشتن بیش از یک اقامتگاه)
- اصل اختیاری و قابل تغییر بودن اقامتگاه

آثار و فواید اقامتگاه

در حقوق بین‌الملل خصوصی، اقامتگاه دارای آثار و

فواید زیر است:

۱. از حیث تعیین صلاحیت دادگاه‌ها

دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی اموال منقول، دادگاه محل اقامتگاه خواننده تعیین شده است. ابلاغ اظهارنامه و اوراق قضایی باید در اقامتگاه شخص به عمل آید. اقامتگاه در تعیین مواعد قانونی تأثیر به‌سزایی دارد. براساس ماده ۴۸ قانون امور حسبی: «امور قیمومت راجع به دادگاه شهرستانی است که اقامتگاه محجور در حوزه آن دادگاه است و اگر محجور در ایران اقامتگاه نداشته باشد، دادگاهی که محجور در حوزه آن دادگاه سکنی دارد، برای امور قیمومت صالح است.»

۲. از حیث تعیین قانون صلاحیت‌دار

در ماده ۶ قانون مدنی در مورد قانون صالح برای احوال شخصیه کلیه اتباع ایرانی، چنین مقرر می‌دارد: «قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو این‌که مقیم در خارج باشند، مجری خواهد بود.»

انواع اقامتگاه

انواع اقامتگاه اشخاص، عبارتند از: اقامتگاه مدنی اشخاص حقیقی، اقامتگاه اشخاص حقوقی، اقامتگاه مالیاتی و اقامتگاه بین‌المللی.

اقامتگاه مدنی اشخاص حقیقی

اقامتگاه مدنی اشخاص حقیقی را می‌توان به اقامتگاه عام و اقامتگاه خاص تقسیم نمود.

- اقامتگاه عام

- اقامتگاه اختیاری

- اقامتگاه اجباری

- اقامتگاه خاص

اقامتگاه اشخاص حقوقی

اقامتگاه مالیاتی: اقامتگاه مالیاتی برای تعیین حوزه صلاحیت‌دار مالیاتی برای اخذ مالیات استفاده می‌شود.

اقامتگاه بین‌المللی: اقامتگاه بین‌المللی عبارت است از

محل معینی در یک کشور، که رابطه‌ای مادی و حقوقی

بین شخص و آن کشور ایجاد می‌کند.

اقسام اقامتگاه اشخاص حقیقی در حقوق بین الملل خصوصی

در حقوق بین الملل خصوصی، اقامتگاه اشخاص حقیقی را می توان به اقامتگاه های ارادی و اقامتگاه اجباری تقسیم نمود.

۱. اقامتگاه ارادی

اقامتگاه ارادی، اقامتگاهی است که شخص براساس اراده و میل خود، آن را انتخاب می نماید. اقامتگاه ارادی شامل: اقامتگاه اختیاری و اقامتگاه قراردادی می شود. اقامتگاه اختیاری که به آن اقامتگاه عام نیز گفته می شود، عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد. چنان چه محل سکونت شخص، غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز مهم امور او، اقامتگاه وی محسوب است (ماده ۱۰۰۲ ق.م) هرگاه شخصی دارای چندین اقامتگاه باشد، باید اثبات نمود که کدامیک از اقامتگاه های وی به عنوان مرکز مهم امور او محسوب می گردد.

چنانچه اقامتگاه اختیاری فردی، بنا به دلایلی از بین برود و معلوم نباشد که اقامتگاه فعلی وی کجا می باشد، می توان بر اساس اصل استصحاب، اقامتگاه قبلی وی را به عنوان اقامتگاه شخص تلقی نمود.

دو شرط برای تغییر اقامتگاه اختیاری ذکر شده است که عبارتند از:

- سکونت حقیقی شخص در محلی دیگر
- تغییر مرکز مهم امور شخص به همان محل جدید

۱-۱. اقامتگاه قراردادی یا انتخابی

اقامتگاه قراردادی که به آن اقامتگاه خاص و انتخابی نیز گفته می شود، عبارت از اقامتگاهی است که طرفین معامله یا یکی از آنها در ضمن عقد، برای اجرای تعهدات ناشی از آن معامله یا ابلاغ اوراق قضایی (احضار، اخطاریه و اوقات دادرسی) محلی را که با اقامتگاه اصلی وی متفاوت است برای خود انتخاب نماید.

۲. اقامتگاه اجباری

اقامتگاه اجباری که به آن اقامتگاه تحمیلی، تبعی و قانونی

نیز گفته می‌شود، عبارتست از اقامتگاهی که شخص در تعیین آن دخالتی نداشته و به حکم قانون گذار تعیین می‌گردد. اقامتگاه‌های اجباری در حقوق ایران عبارتند از:

- اقامتگاه زن شوهردار
- اقامتگاه صغار و مجانین
- اقامتگاه مأموران دولت
- اقامتگاه نظامیان
- اقامتگاه خدمه و کسانی که نزد دیگری کار می‌کنند.

۱-۲. اقامتگاه زن شوهردار

در موارد زیر زن شوهردار می‌تواند، اقامتگاهی جدا از اقامتگاه شوهر انتخاب نماید:

- در صورت معلوم نبودن اقامتگاه شوهر
- چنانچه زن و شوهر، توافق بر تعیین اقامتگاه توسط زن نموده باشند.
- تعیین اقامتگاه توسط زن ممکن است بر اثر حکم قضایی باشد.
- هرگاه شوهر، محجور شود و از طرف دادگاه زن

به‌عنوان قیم وی تعیین گردد، با توجه به این که اقامتگاه محجور تحت قیمومت، اقامتگاه قیم خواهد بود. در این حالت است که زن می‌تواند اقامتگاه انتخابی داشته باشد.

وضعیت اقامتگاه زن ناشزه

اقامتگاه زن ناشزه همان اقامتگاه شوهر خواهد بود و وی قانوناً نمی‌تواند اقامتگاهی مستقل از شوهر خود انتخاب نماید.

۲-۲. اقامتگاه محجورین

با توجه به این که، اداره امور محجورین، تحت سرپرستی ولی و قیم می‌باشد، اقامتگاه آن‌ها، اقامتگاه تبعی محسوب می‌گردد ولو این که در منزل جداگانه از ولی و قیم سکونت داشته باشند.

وضعیت اقامتگاه زن شوهر دار محجور

چنان چه شوهر زن محجور، به‌عنوان قیم وی تعیین گردد، هیچ‌گونه مشکلی به‌وجود نخواهد آمد، اما اگر شخص دیگری مانند پدر یا جد پدری، به‌عنوان ولی

وی تعیین گردد در این حالت، اقامتگاه زن محجور شوهردار، اقامتگاه ولی او خواهد بود.

وضعیت اقامتگاه شوهر محجور

اقامتگاه زن صغیر، اقامتگاه ولی وی خواهد بود نه اقامتگاه شوهرش و چنانچه زن محجور نباشد، اقامتگاه شوهر محجور بر او تحمیل نمی‌شود.

۲-۳. اقامتگاه مأموران دولت

در ماده ۱۰۰۷ ق.م. آمده است: «اقامتگاه مأمورین دولتی، محلی است که در آن جا مأموریت ثابت دارند.»

آثار اقامتگاه اجباری مأمورین دولت

آثاری که از اقامتگاه اجباری مأمورین دولت به بار خواهد آمد عبارتند از:

- طبق ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)، دعاوی علیه مأمور دولت، باید در دادگاه محل مأموریت ثابت وی اقامه شود.
- ابلاغ اوراق قضایی اعم از خطاریه، احضاریه و غیره

باید در محل کار مأمور دولت (محل ثابت مأموریت) به عمل آید.

اقامتگاه مأمورین سیاسی

از آن جایی که این مأموران به عنوان کارمندان وزارت خارجه محسوب می شوند، می توان بر اساس ماده ۱۰۰۷ ق.م. چنین ادعا نمود، که اقامتگاه این افراد نیز، ایران یعنی وزارت امور خارجه می باشد نه در کشور محل مأموریت آن ها.

۲-۴. اقامتگاه نظامیان

قانون گذار برای نظامیان، اقامتگاه اجباری تعیین کرده است و اقامتگاه آن ها را محل انجام شغل دولتی می شناسد.

۲-۵. اقامتگاه اشخاصی که نزد دیگری کار می کنند.

ماده ۱۰۰۹ ق.م. مقرر می دارد: «اگر اشخاص کبیری که معمولاً نزد دیگری کار یا خدمت می کنند، در منزل کارفرما یا مخدوم خود سکونت داشته باشند، اقامتگاه آن ها همان اقامتگاه کارفرما یا مخدوم آن ها خواهد بود.»

اقامتگاه اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی، دارای شخصیتی مستقل از اشخاص حقیقی تشکیل دهنده آنها هستند و به همین جهت از حقوق و تکالیف مستقل از حقوق و تکالیف اشخاص ایجادکننده آن برخوردار می‌باشند.

تعیین اقامتگاه اشخاص حقوقی

در مورد اقامتگاه اشخاص حقوقی در قوانین ایران، با سه عنوان متفاوت، از جمله «مرکز عملیات» که در ماده ۱۰۰۲ ق.م.آ.م.د است و «مرکز امور اداری» در قانون تجارت و «مرکز اصلی» در ماده ۲۲ و ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی روبرو هستیم که هر کدام از این موارد، در تعیین اقامتگاه نقش مختلفی را ایفا می‌نماید. منظور از «مرکز عملیات»، محلی است که کارگاه و تشکیلات بهره‌برداری و عملیات شخص حقوقی در آنجا متمرکز می‌باشد. مقصود از «مرکز امور اداری» و «مرکز اصلی» که در قانون تجارت و قانون آیین دادرسی مدنی آمده است، محلی است که اداره مرکزی شرکت و جلسات هیأت

مدیره و غیره در آن جا تشکیل می‌شود و نسبت به امور جاریه شرکت، در آن محل تصمیم‌گیری می‌گردد.

ضوابط تعیین اقامتگاه اشخاص حقوقی

به‌طور کلی، از مجموع نظرات می‌توان چنین استنباط نمود که: نظر بیش‌تر حقوق‌دانان راجع به اقامتگاه اشخاص حقوقی، محل اداره امور یا مرکز اصلی شرکت می‌باشد؛ زیرا اولاً: تعارضی بین ماده ۵۹۰ قانون تجارت و ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی وجود نداشته، و منظور از مرکز عملیات ذکر شده در ماده ۱۰۰۲ ق.م. همان مرکز عملیات اداری است. ثانیاً: باتوجه‌به مواد ۲۲ و ۲۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) که در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۸ به تصویب رسیده و مؤخر بر هر دو قانون (تجارت و مدنی) می‌باشد و مرکز اصلی شرکت که همان مرکز امور اداری بوده را به‌عنوان اقامتگاه شخص حقوقی تعیین نموده است.

می‌توان چنین استنباط نمود که اقامتگاه اشخاص حقوقی، مرکز اصلی شرکت (مرکز امور اداری) مذکور

در ماده ۵۹۰ قانون تجارت و مواد ۲۲ و ۲۳ قانون آ.د.م می‌باشد.

اصول و مبانی اقامتگاه اشخاص حقوقی

این اصول عبارتند از:

- هر شخصی باید اقامتگاهی داشته باشد (اصل لزوم اقامتگاه)
- هیچ شخصی نباید بیش از یک اقامتگاه داشته باشد (اصل وحدت اقامتگاه)
- اقامتگاه یک امر همیشگی و زوال ناپذیر نیست و قابل تغییر است (اصل تغییرپذیری اقامتگاه)

۱. اصل لزوم اقامتگاه اشخاص حقوقی

اشخاص حقوقی، مانند اشخاص حقیقی به موجب روابطی که با اشخاص، اعم از حقیقی و یا حقوقی ایجاد می‌نمایند و هم‌چنین به لحاظ آن که دارای حقوق و تکالیفی در ارتباط با این روابط برای آن‌ها ایجاد می‌گردد، لازم است که دارای اقامتگاه معینی بوده تا در صورت بروز اختلاف حقوقی، بتوان به اقامتگاه آن‌ها مراجعه نمود.

۲. اصل وحدت اقامتگاه اشخاص حقوقی

هیچ شخص حقوقی نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

۳. اصل تغییر پذیری اقامتگاه اشخاص حقوقی

در مورد اشخاص حقوقی باید اذعان داشت که منع قانونی برای تغییر اقامتگاه اشخاص حقوقی وجود ندارد و علی‌القاعده، اصل تغییر پذیری اقامتگاه اشخاص حقوقی نیز قابل اعمال می‌باشد.

انواع اقامتگاه اشخاص حقوقی

در مورد اقامتگاه اشخاص حقوقی می‌توان به دو نوع اقامتگاه الف. اقامتگاه واقعی یا حقیقی ب. اقامتگاه قراردادی اشاره نمود. از آن جایی که اقامتگاه واقعی یا اختیاری، جنبه ارادی و اختیاری داشته و ایجاد آن مبتنی بر اختیار و اراده شخص بوده و شامل کلیه حقوق و تعهدات شخص می‌گردد، به‌عنوان اقامتگاه عام شخص محسوب می‌گردد.

اقامتگاه حقیقی اشخاص حقوقی، بر اساس اراده و توافق مؤسسين با امضای اساسنامه صورت می پذیرد. تغییر اقامتگاه اشخاص حقوقی نیز، باید با توافق هیئت مؤسس صورت پذیرد.

اقامتگاه قراردادی، اقامتگاهی است که اشخاص در ضمن قراردادهای مربوط به تعهدات و معاملات خویش یا به موجب قرارداد جداگانه برای موضوعات خاص از قبیل اقامه دعوی یا ابلاغ اوراق مربوط به آن دعوی تعیین می نمایند. به همین جهت به آن اقامتگاه خاص نیز گفته می شود.

نشر سیمیا

simia.ir

فصل ۴

وضعیت حقوقی بیگانگان

تاریخچه وضعیت بیگانگان

وضعیت بیگانگان در جوامع ابتدایی

الف. یونان باستان

در دولت - شهر آتن، بیگانگان موسوم به «متیک‌ها» بزرگ‌ترین گروه ساکن را تشکیل می‌دادند که غالباً به کارهای تجاری و صنعتی اشتغال داشتند. به «متیک‌ها» هیچ‌گونه حقوق سیاسی یا مدنی تعلق نمی‌گرفت و فقط حق اقامت و تجارت در آتن به آن‌ها داده شده بود.

ب. روم باستان

حقوق ملل در روم، توسط دانشمندان روم که تحت تاثیر فلسفه یونان بودند، شکل گرفت و اساس آن را حقوق طبیعی تشکیل می‌داد. براساس حقوق روم، که تحت عنوان «حقوق ملل» نام گرفت، برخی از حقوق متداول جامعه روم برای «بیگانگان» در نظر گرفته شد.

اهم حقوق بیگانگان در آن دوران عبارت بودند از:

- حق تجارت و خرید و فروش

- حق مراجعه به قاضی
- اعطای برخی از حقوق مربوط به خانواده (مانند احوال شخصیه).

در روم باستان، شهروندان رومی در حقوق عرفی، دارای حقوق ممتاز از بیگانگان بوده‌اند و رسیدگی به دعاوی شهروندان رومی بر عهده قاضی شهر و رسیدگی به دعاوی بیگانگان، بر عهده قاضی سیار بوده است.

ج. ایران باستان

در زمان سلطنت کوروش، نخستین اعلامیه حقوق بشر صادر گردید و در این منشور، آزادی ادیان و انجام تکالیف مذهبی برای بیگانگان وجود داشت.

از دیدگاه اسلام، بیگانه کسی است که عقیده غیراسلامی دارد. اعم از اهل کتاب و غیر آنان که مصادیق گوناگونی می‌یابند. اعطای امان از سوی مسلمانان به شخص بیگانه (غیرمسلمان) الزامی است، زیرا در آیه ۶ سوره شریفه توبه آمده است:

«و ان احد من المشرکین استجارک فاجرہ حتی یسمع

کلام الله ثم ابلغه مامنہ ذالک بانہم قوم لا یعلمون.»
«و ہر گاہ یکی از مشرکان بہ تو پناہ آورد کہ از دین آگاہ
شود بدو پناہ بدہ تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن
سخن خدا او را بی ہیچ خوف بہ مامن و منزلش برسان
زیرا کہ مشرکان مردم نادانند.»

امان از سوی مجوز عبور و اقامت موقت در کشور اسلامی
بود (کہ اکنون بہ آن ویزا گفتہ می شود) و از سوی دیگر،
درخواست پذیرش پناہندگی محسوب می گردد.

مدت امان، معمولاً حداکثر یک سال است و پس از سپری
شدن یک سال، مستأمن مکلف است کہ یا اسلام آورده
و یا بہ شرایط ذمہ تمکین کند (یعنی جزیہ بپردازد)
و یا فوراً از کشور اسلامی خارج شود. در غیر این صورت
حکومت اسلامی وی را از کشور اخراج خواهد کرد.

انواع امان عبارتند از: ۱. امان رسمی ۲. امان غیر رسمی
کہ ہر یک از این دو نوع امان، ممکن است بہ صورت
صریح باشد و یا ضمنی.

- **امان رسمی:** به امانی گفته می‌شود که رسماً حکومت اسلامی به طور عموم یا خصوص به بیگانگان اعطا نماید.

- **امان غیررسمی:** منظور از امان غیررسمی امانی است که هر فرد مسلمان عادی می‌تواند به بیگانه‌ای دهد.

تعریف بیگانه و انواع آن

اشخاص حقیقی بیگانه: اشخاص حقیقی بیگانه که موضوع اصلی این مبحث است را می‌توان به شش دسته عمده طبقه‌بندی کرد: بیگانه عادی، بیگانه مجرم فراری، بیگانه مهاجر، بیگانه پناهنده، بیگانه مأمور و بیگانه آواره.

الف. **بیگانه عادی:** افرادی هستند که به‌طور معمول در کشورها زندگی یا به این کشورها مسافرت می‌کنند. بیگانگان عادی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

- **بیگانه مقیم:** بیگانگان مقیم، اشخاصی هستند که به‌صورت دائم و یا موقت در کشوری به غیر از کشور اصلی خود اقامت و سکونت دارند و در آن‌جا به‌کار

و فعالیت می‌پردازند. شایان ذکر است، که اقامت در کشوری دیگر، باید با اخذ اجازه از مقامات صلاحیت‌دار از آن کشور باشد.

• **بیگانه مسافر:** بیگانه مسافر، کسی است که با هر هدفی از قبیل مسافرت و یا تجارت که مدت زمان آن کم‌تر از اقامت موقت است، به کشوری دیگر رفته و در آن‌جا اقامت می‌نماید.

* **فرق بیگانه مسافر و اقامت موقت آنست که، مدت اقامت بیگانه مسافر کم‌تر از اقامت موقت می‌باشد و هم‌چنین ممکن است در بعضی از کشورها برای اقامت بیگانه مسافر نیازی به اخذ اجازه (ویزا) از دولت پذیرنده نبوده، در حالی که برای اقامت موقت حتماً نیاز به اخذ مجوز از دولت پذیرنده می‌باشد.**

ب. بیگانه مجرم فراری: بیگانه مجرم فراری، شخصی است که در کشوری مرتکب جرم شده و برای فرار از مجازات به کشوری دیگر فرار می‌کند.

ج. بیگانه مهاجر: در اصطلاح حقوقی، مهاجر به کسی اطلاق می‌شود که اقدام به تغییر محل اقامت خود نموده و ضمن عبور از مرزهای سیاسی، برای مدت نسبتاً طولانی به جهت ملاحظه‌های سیاسی، اقتصادی، جمعیتی، مذهبی، نژادی و یا معیشتی با رعایت تشریفات قانونی و کشور خود را به قصد مهاجرت به کشور مهاجرپذیر ترک می‌کند.

مهاجرت انواع مختلفی دارد که عبارتند از:

- **مهاجرت گروهی:** در گذشته، زمانی که در کشوری جنگ وجود داشت و یا حکومت‌های دیکتاتور ایجاد خفقان و اذیت و آزار مردم می‌نمودند، مردم آن اهالی به صورت گروهی از کشور متبوع خود به کشوری دیگر که برای آن‌ها امن بود، مهاجرت می‌کردند تا شاید بتوانند در آن کشور با آرامش به زندگی خود ادامه دهند.

- **مهاجرت اجباری:** به مهاجرتی گفته می‌شود که براساس عوامل قهری و اجباری از قبیل فرار از تعقیب قانونی، بلاهای طبیعی (مانند سیل، زلزله) فقر شدید

صورت می‌گیرد.

- **مهاجرت اختیاری:** به نوعی از مهاجرت گفته می‌شود که شخصی به خواست خود برای رهایی از مشکلات اقتصادی و غیره به کشوری دیگر مهاجرت نموده بدون آن که وی را برای مهاجرت مجبور کرده باشند.

- **مهاجرت قانونی:** مهاجرت قانونی، نوعی از مهاجرت بوده که ورود، اقامت و استخدام مهاجرین در کشور مهاجرپذیر به صورت دائمی یا ادواری صورت می‌پذیرد، که این نوع مهاجرت ممکن است بر سه نوع باشد) مهاجرت قانونی از طریق سرمایه‌گذاری، مهاجرت دائمی متخصصین و مهاجرت قانونی از طریق فامیلی.

- **مهاجرت نامنظم:** به مهاجرتی گفته می‌شود که شخص به صورت قانونی وارد کشور میزبان شده ولی مجوز اقامت دائم در آن کشور را قانوناً نداشته و بیش از مدت زمان مجاز در کشور مقصد اقامت نماید.

د. بیگانه پناهنده: در دایرة المعارف حقوق بین‌الملل عمومی، در مورد تعریف پناهنده آمده است: «کسی که

به علت ترس موجهی که داشته یا دارد از این که به سبب نژاد، مذهب، ملیت، تابعیت، عضویت در دسته اجتماعی و به خصوص داشتن عقیده سیاسی تحت تعقیب و آزار قرار گیرد و از کشور متبوع خود و یا اگر تابعیتی ندارد از کشوری که قبلاً ساکن آن بوده خارج شده باشد و به علت ترس فوق نتواند یا نخواهد کرد از حمایت کشور متبوع برخوردار شود و اگر فاقد تابعیت است نخواهد به کشوری که قبلاً در آن جا ساکن بوده است، برگردد.»

هـ. بیگانه آواره: بیگانه آواره، ممکن است، آواره بلایای طبیعی و یا آواره جنگی، از مقابل لشکرهای متخاصم فرار کرده‌اند و مجدداً به سرزمینی که در آن قبلاً می‌زیسته‌اند، بازنگشته‌اند.»

و. بیگانه مأمور: بیگانه مأمور، شخصی است که از طرف دولت متبوع خود برای انجام مأموریت به کشوری دیگر اعزام می‌گردد. مأمورین به دو دسته تقسیم می‌شوند: مأمورین سیاسی و مأمورین غیرسیاسی.

- **مأمور سیاسی:** به کسی گفته می‌شود که در محلی در خارج از کشور خود، در حال انجام وظیفه دیپلماتیک می‌باشد.

- **مأمور غیرسیاسی:** شخصی است که برای اجرای ماموریت از طرف دولت متبوع خود به کشور دیگری فرستاده شده، اما مأموریت وی سیاسی نیست و به این شخص مأمور سیاسی اطلاق نمی‌شود.

اصول حاکم بر حقوق بیگانگان

جهاتی که باعث تدوین حقوق بیگانگان گردید عبارتند از:

- رشد و توسعه روزافزون داد و ستدهای اقتصادی که موجب حضور بیش‌تر بیگانگان در کشورهای مختلف می‌گردد.

- داد و ستدهای فرهنگی و مهاجرت به دیگر کشورها
- احساس سرنوشت مشترک بشری و نیاز به ضابطه‌مند کردن روابط حاکم بر سرنوشت‌های مشترک بشری.

براین اساس، اصول و مبانی تعیین وضعیت حقوق بیگانگان عبارتند از:

- تعیین و شناسایی حداقل حقوق، برای بیگانگان با توجه به قواعد حقوق بین الملل.
- رفتار متقابل دولت‌ها
- التزام دولت‌ها در تصویب قوانین داخلی جهت تعیین وضعیت بیگانگان

تعیین و شناسایی حداقل حقوق برای بیگانگان

به طور کلی، دو مبنای اساسی در مورد شناسایی حداقل حقوق بیگانگان وجود دارد که عبارتند از:

- مبنای فلسفی و اخلاقی بر اساس حقوق فطری
 - مبنای مصالح سیاسی مبتنی بر روح ملیت خواهی.
- اصل تساوی حقوق بیگانگان با اتباع داخلی دارای انگیزه‌های انسان دوستانه و اخلاقی بوده است و اندیشمندان دیگری مانند ویتوریا، گروسیوس و واتل نیز از این طرز تفکر پیروی کرده‌اند.

رفتار متقابل دولتها

۱. رفتار متقابل سیاسی

چنانچه شرط رفتار متقابل، در عهدنامه‌ای پیش‌بینی شده باشد، آن را شرط رفتار متقابل سیاسی می‌نامند، در این صورت اتباع هر یک از کشورهای طرف معاهده، در کشور مقابل از حقوقی که در معاهده قید شده است، برخوردار خواهند شد. دامنه شمول رفتار متقابل سیاسی، محدود به اتباع کشورهای طرف معاهده می‌باشد.

۲. رفتار متقابل قانونی

چنانچه شرط رفتار متقابل در قانون پیش‌بینی شده باشد آن را شرط رفتار متقابل قانونی می‌نامند. دامنه شمول رفتار متقابل قانونی، نسبت به عموم بیگانگان خواهد بود.

۳. رفتار متقابل عملی

رفتار متقابل عملی، در صورتی است که اتباع دولتی در

مملکتی دیگر عملاً، (طبق عرف و عادت و رویه قضایی یا اداری) از همان حقوق اتباع آن مملکت بهره‌مند می‌گردند. این رفتار متقابل، بسیار قابل انعطاف بوده و هیچ نیازی به تصویب قانون ندارد.

۴. شرط ملت‌های کامله‌الوداد

در فرهنگ حقوق بین‌الملل عمومی، در تعریف شرط ملت‌های کامله‌الوداد آمده است: «شرطی است که برطبق آن، دولتی در ضمن یک قرارداد درباره اقامت اتباع بیگانه، امور تجاری، میزان عوارض گمرکی، در مقابل دولت دیگر تعهد می‌نماید که چنان‌چه در موضوع مورد قرارداد، برای دولت ثالثی مزایا و امتیازات بیش‌تری قائل شود، آن مزایا و امتیازات اعطایی نیز به‌طور اتوماتیک (خودبه‌خود) شامل این دولت طرف قرارداد نیز گردد.»

چنان‌چه شرط ملت‌های کامله‌الوداد با شرط رفتار متقابل توأم باشد، این حالت را شرط ملت‌های کامله‌الوداد مشروط می‌نامند. در این صورت ذینفع‌هنگامی می‌تواند به استناد

آن برای اتباع خود مطالبه حقوق کند که آن حقوق را خود برای اتباع دولت متقابل شناخته باشد.

وضعیت حقوق بیگانگان در نظام حقوقی ایران

وضعیت حقوق بیگانگان در نظام حقوقی ایران را می‌توان در دو قسمت مورد بحث و بررسی قرار داد:

۱. وضعیت حقوق اشخاص حقیقی بیگانه در حقوق ایران.

۲. وضعیت حقوق اشخاص حقوقی بیگانه در حقوق ایران.

در ماده ۱ قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰ چنین آمده است: «هریک از اتباع خارجه برای ورود و اقامت و خروج از ایران باید اجازه مأمورین مربوطه ایران را تحصیل نمایند.»

اجازه ورود به خاک ایران و عبور از آن با ویزایی (رویداد) که از طرف مأمورین ایران در خارجه بر روی گذرنامه (پاسپورت) شخص که هویت وی در آن مشخص گردیده، صادر خواهد شد. گذرنامه شخص بیگانه، باید از سوی دولت متبوع او صادر شده و هویت و تابعیت وی به‌طور کامل مشخص گردد.

تعریف گذرنامه در حقوق ایران

ماده ۱ قانون گذرنامه ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ گذرنامه را چنین تعریف نموده است: «گذرنامه سندی است که از طرف مأموران صلاحیت‌دار، برای مسافرت اتباع ایران به خارج و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران صادر می‌گردد، گفته می‌شود.»

انواع گذرنامه

گذرنامه انواع متعددی دارد که عبارتند از:

۱. گذرنامه سیاسی

گذرنامه سیاسی، گذرنامه‌ای است که وزارت خارجه برای مقامات سیاسی برای انجام ماموریت‌های سیاسی، صادر می‌نماید. برای شخصیت‌های زیر گذرنامه سیاسی صادر می‌شود:

- رهبر
- رئیس‌جمهور
- رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس

مجلس شورای اسلامی، رییس قوه قضایی، معاون اول رییس جمهور، اعضای شورای نگهبان، تولید آستان قدس رضوی، وزراً دولت جمهوری اسلامی ایران و معاونان رییس جمهور و ...

۲. گذرنامه خدمت

گذرنامه خدمت از طرف وزارت امور خارجه برای اشخاصی صادر می گردد که غالباً به صورت کارمند اداری، کارشناس و نمایندگان اقتصادی حامل مأموریت های اداری برای دولت متبوع خود هستند.

مدت اعتبار گذرنامه خدمت یک سال است مگر در مورد مأموران ثابت دولت در نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور که اعتبار گذرنامه تا خاتمه مدت مأموریت آنان خواهد بود.

برای اشخاص زیر گذرنامه خدمت صادر می گردد:

- اشخاصی که به عنوان همراه با رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری به خارج از کشور مسافرت می نمایند.

- اشخاصی که به‌عنوان همراه در ارتباط با مأموریت با ریاست جمهوری یا معاون اول رییس‌جمهور به خارج از کشور مسافرت می‌نمایند با معرفی مقام مربوطه.
- اشخاصی که به موجب تصویب‌نامه هیأت وزیران برای انجام مأموریت به خارج از کشور اعزام می‌شوند، با معرفی دفتر هیأت دولت.
- کارمندان وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و ارگان‌های وابسته به دولت و ارگان‌های نظامی که به خارج از کشور اعزام می‌گردند با معرفی وزیر مربوطه و ذکر علت مأموریت.
- مأموران اداری و فنی وزارت امور خارجه و همسران آنها با موافقت وزیر امور خارجه.

۳. گذرنامه عادی

گذرنامه عادی گذرنامه‌ای است که برای افراد عادی جهت مسافرت به کشورهای خارجی، در داخل کشور توسط اداره کل گذرنامه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا) و در خارج از کشور توسط نمایندگی‌های جمهوری

اسلامی ایران (مأموران کنسولی در سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها) صادر می‌گردد. مدت اعتبار گذرنامه عادی پنج سال بوده که برای مدت زمان پنج سال دیگر نیز قابل تمدید خواهد بود.

روادید یا ویزا

ویزا عبارت از مجوزی است که به شخص اجازه ورود به خاک یک کشور را داده تا وی بتواند برای مدت زمان مشخصی در آن‌جا حضور داشته باشد. ویزا معمولاً به صورت مهری خواهد بود که در پاسپورت شخص متقاضی زده می‌شود ولی گاهی اوقات نیز ممکن است به صورت نامه نیز صادر گردد.

انواع روادید یا ویزا

- ویزای با حق کار: صدور روادید با حق کار تنها برای کارشناسان، کارورزان و کارگران که قصد اشتغال در ایران را دارند، صورت می‌گیرد.
- ویزای تحصیلی: صدور روادید تحصیلی تنها برای

دانشجویان خارجی و یا طلاب علوم دینی صورت می‌گیرد.

- ویزای توریستی یا جهانگردی

- ویزای دیپلماتیک: به ویزایی گفته می‌شود که برای دارندگان پاسپورت‌های سیاسی که از طرف کشور و یا سازمان متبوعه خود به کشوری دیگر مأموریت سیاسی داده می‌شود، صادر می‌گردد.

- ویزای مطبوعاتی یا خبرنگاری: در برخی از کشورها برای ورود خبرنگاران به کشورشان جهت تهیه اخبار، ویزای مخصوصی تحت عنوان ویزای خبرنگاری اخذ نمایند.

- ویزای تجاری: ویزای تجاری به ویزایی گفته می‌شود که، برای خارجیانی که قصد سفر به ایران به منظور انجام امور تجاری، بازرگانی، فرهنگی و یا صنعتی را دارند، برای مدت ۳۰ روز صادر می‌گردد.

- ویزای عبور: هرگاه بیگانه‌ای قصد عبور از خاک ایران را به کشور دیگری داشته باشد، نیاز به اخذ

ویزای عبور دارد.

• ویزای زیارتی

مواردی که مأمورین باید از دادن ویزا به بیگانگان خودداری نمایند: مأموران ایران در خارجه، در موارد ذیل باید از دادن ویزا به بیگانگان خودداری نمایند:

• در صورتی که مأمورین در صحت اسناد ارائه شده تردید نمایند.

• اشخاصی که مطابق قوانین ایران تبعه ایران محسوب شده و بخواهند با اوراق تابعیت غیرایرانی به ایران مسافرت کنند.

• چنانچه حضور خارجی در ایران بر ضد امنیت مملکت و یا نظم عمومی و یا به جهت دیگری منافی مصالح مملکتی باشد.

• اگر شخص خارجی، در ایران سابقه محکومیت کیفری مهم و یا جنایت داشته و یا در خارج محکوم به جنحه و یا جنایت شده باشد.

• اگر خارجی قبلاً از ایران اخراج شده باشد.

- چنانچه حضور خارجی در ایران مضر بهداشت عمومی و یا منافی عفت باشد.

- اگر خارجی نتواند اثبات نماید که وسائل تحصیل معاش خود را در ایران به وسیله سرمایه یا مشاغل مفیده خود دارا می باشد.

اقامت موقت

اجازه اقامت موقت و یا دائم در ایران از طرف نیروی انتظامی باید داده شود و هیچ یک از اتباع خارجه بدون اجازه مزبور و بیش از مدت معینه در اجازه های مذکوره نمی توانند در ایران اقامت نمایند. اجازه اقامت موقت و یا دائم قابل تجدید و تمدید می باشد.

خروج اتباع خارجه از ایران

در مورد خروج اتباع بیگانه از ایران شرایط خاصی وجود ندارد، فقط زمانی که بیگانه قصد خروج از ایران را داشته باشد و مدت توقف آن ها کم تر از ۹۰ روز باشد، باید هنگام خروج، فرم مخصوص خروج از کشور را

تکمیل نموده و تسلیم مأموران گمرکی مرزی نماید.
چنانچه بیگانه، بیش‌تر از ۹۰ روز در ایران اقامت
داشته باشد، باید هنگام خروج از ایران، اجازه خروج از
مأمورین انتظامی را اخذ نماید.

اخراج بیگانه

بر اساس قوانین ایران، تبعه خارجی را ممکن است
در موارد ذیل، از خاک ایران اخراج و یا محل توقف
او را تغییر داد:

- اگر برخلاف مقررات و قانون رفتار نماید.
- در صورتی که اجازه عبور و یا توقف خارجی ملغی
شود.

تصمیم اخراج را اداره کل امور اتباع خارجه به موقع
اجرا می‌گذارد. در هر موقعی که تصمیم اخراج اتخاذ
شود و تأخیر اجرای آن منافی مصالح مملکتی نباشد،
از طرف نیروی انتظامی و یا از طرف ادارات ذی‌صلاح
دیگر، آن تصمیم و مهلتی که برای اجرا داده می‌شود،
به شخصی که باید اخراج شود اخطار خواهد شد.

تصمیم اخراج بیگانه از کشور قابل تجدیدنظر بوده و بیگانه می‌تواند ظرف ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ به وزارت کشور مراتب اعتراض خود را اعلام نماید. ممکن است تقاضا کتباً و یا به صورت تلگرافی به مقام صلاحیت‌داری که تصمیم را اتخاذ کرده، داده شود، علاوه بر آن بیگانه می‌تواند مدلول تقاضای خود را مستقیماً به وزارت کشور ارسال نماید.

بر خورداری اشخاص حقیقی بیگانه از حقوق خصوصی

در ایران

قانون مدنی ایران، اصل را بر تمتع بیگانگان (اتباع خارجه) از حقوق مدنی قرار داده است و تمتع بیگانه از حقوق مدنی را فرع بر اهلیت وی می‌داند، زیرا اصولاً تشخیص اهلیت بیگانه، برای انجام عمل حقوقی، براساس قانون دولت متبوع وی خواهد بود مگر آن‌چه که در ماده ۹۶۲ ق.م مقرر گردیده است.

استثنائات وارده بر اصل تمتع بیگانگان از حقوق مدنی

۱. حقوق منحصر به ایرانیان و سلب شده از بیگانگان
برخی از حقوق که مختص به ایرانیان می باشد در قوانین
مختلف آمده است، که عبارتند از:

- دادن امتیاز تشکیل شرکت و غیره به خارجیان
- ممنوعیت استخدام کارشناسان خارجی
- محرومیت از حق اشتغال در برخی از مشاغل
- محرومیت حق تملک بیگانگان بر املاک زراعی:
- گاهی اوقات قانون گذار، بیگانگان را از داشتن
حقی معین به طور ضمنی، محروم کرده است. مانند
محرومیت بیگانگان از تملک اراضی مزروعی. علاوه بر
املاک مزروعی، بیگانگان از تملک اموال غیرمنقول
دیگر مازاد، برای محل سکونت یا کسب یا صنعت خود
نیز محروم هستند.

- بیگانگان در ایران طبق ماده ۱ آیین نامه استملاک
اتباع خارجه، اجازه استملاک محل کسب یا مسکن
و یا صنعت را برای خود دارند و نمی توانند به منظور

دیگری، مانند سرمایه‌گذاری و یا اجاره دادن تملک نمایند.

۲. حقوق راجع به احوال شخصیه بیگانه در ایران

«اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و هم‌چنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.»

از جمله دلایل وضع چنین محدودیتی توسط قانون‌گذار ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- از تقلب احتمالی نسبت به قانون جلوگیری شود.
- به این اصل که «اشخاص از حیث احوال شخصی تابع قانون دولت متبوع خود هستند» عمل کرده باشد.

۳. حقوق مخصوص جامعه ایرانی

هر دولتی، بنا به مصالح اتباع خود، ممکن است حقوق خاصی برای اتباعش وضع نماید، که شامل بیگانگان نگردد. مثلاً قانون هدفمند کردن یارانه، که فقط شامل اتباع ایرانی گردیده و شامل بیگانگان نمی‌شود.

برخورداری اشخاص حقیقی بیگانه از حقوق عمومی در حقوق ایران

برخورداری بیگانگان از حقوق عمومی را می توان به
چهار دسته تقسیم نمود:

- حقوق اساسی و آزادی های فردی و مصونیت های شخصی
- حقوق اقتصادی
- حقوق قضایی
- حقوق سیاسی

حقوق اساسی و آزادی های فردی

مهم ترین حقوق اساسی افراد، که بیگانگان نیز از آن
بهره مند می گردند، عبارتند از:

- حق برخورداری بیگانگان از حیثیت و کرامت انسانی
- آزادی بیگانگان در انتخاب مسکن
- حمایت از جان و مال بیگانه
- آزادی رفت و آمد و اقامت بیگانه
- حق برخورداری از آزادی اندیشه و بیان و انجام مسائل

منهبی

حقوق اقتصادی بیگانگان

مهم‌ترین حقوق اقتصادی که بیگانگان از آن برخوردار هستند، عبارتند از:

- آزادی بیگانگان در انتخاب شغل
- آزادی بیگانگان در استفاده از خدمات عمومی

حقوق قضایی بیگانگان

بیگانگانی که به‌طور قانونی وارد کشوری شده‌اند، در آن کشور در حد متعارف از حقوق قضایی بهره‌مند خواهند بود. مهم‌ترین حقوق قضایی که بیگانگان از آن برخوردار می‌باشند عبارت است از:

- حق مراجعه به محاکم قضایی
- حق انتخاب وکیل توسط بیگانه

حقوق سیاسی بیگانگان

حقوق سیاسی، امتیازی است که منحصر به اتباع آن کشور بوده و بیگانگان از آن محرومند. مانند شرکت در انتخابات و شرکت در همه‌پرسی‌ها

دوماً حقوق‌دان فرانسوی معتقد است: «بیگانگان عضو جامعه‌ای که دولت‌ها را تشکیل می‌دهند نیستند و از این‌رو نباید از حقوق سیاسی بهره‌مند شوند.»

وضعیت حقوقی اشخاص حقوقی بیگانه در ایران

قانون تجارت مقرر می‌دارد: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت - نبوت و امثال ذلک.»

حقوق اشخاص حقوقی بیگانه در ایران

اشخاص در روابط حقوقی خود، بر دو پایه و عنصر اساسی استوار می‌باشند که آن دو عنصر عبارتند از حق و تکلیف. حقوق و تکالیف تنها متوجه شخص حقیقی نیست، بلکه اشخاص حقوقی نیز دارای حقوق و تکالیف می‌باشند. اشخاص حقوقی بیگانه، حق تملک بر اموال غیرمنقول در ایران را طبق شرایطی که برای اشخاص

حقیقی بیگانه مقرر است را دارا می‌باشند. همچنین حق انجام هر گونه معامله پیش‌بینی شده در اساسنامه، به جز معاملات ممنوع برای اتباع بیگانه را دارند.

تکالیف و وظایف اشخاص حقوقی بیگانه در ایران

تکالیفی که برای اشخاص حقوقی بیگانه قائل شده‌اند عبارتند از: تکلیف به پرداخت مالیات و عوارض، تکلیف به ارائه گزارش دوره‌ای فعالیت به مراجع داخلی.

نشر سیمیا
simia.ir